

کارگفت زبان شناسی در اشعار سهراب

فرشاد میرزائی^۱، محسن بهاروند^۲

^۱ استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد، ایران

^۲ دانشجوی مقطع دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد ایران

چکیده

برخورداری از یک تعامل ارتباطی موفق نیازمند آگاهی از نقش سخن و میزان اطلاعات مشارک آن است. شنونده برای درک مفاهیم مورد نظر گوینده، صرفاً متکی به دانش درون زبانی خود نیست. بلکه از دانش برون زبانی نیز برای تعبیر این مفاهیم بهره می‌گیرد. در این مقاله به نظریه‌ای کارگفت اشاره می‌شود. در این مقاله، نمونه‌هایی از اشعار سهراب سپهری به عنوان کنش گفتاری و هریک از اقسام آن با توضیح لازم آورده شده و در پایان نتیجه حاصل از این شد که بیشترین نمونه‌های کنش گفتاری سپهری همانطور که در اشعار نیز معلوم شد از نوع کنش گفتاری عاطفی هستند.

واژه‌های کلیدی: کنش، سپهری، کارگفت، ترغیبی، عاطفی و اعلامی.

مقدمه

نظریه جان آستین امروزه اهمیتی ویژه‌ای در حوزه زبان دین دارد. وی و ویتگنشتاین، از مهم‌ترین و مؤثرترین کسانی تلقی می‌شوند که در تحول چرخشی فلسفه قرن بیستم به رویکردهای زبانی، نقش آفرین بوده‌اند. از طرفی، جان آستین نظریات بسیار مشابهی با ویتگنشتاین دارد و در عین حال، دیدگاه‌های خود را بسی روشن‌تر مطرح می‌کند؛ در نتیجه، مراجعه به نظریات آستین، افزون بر اهمیتی دیدگاه خود وی، به فهم دیدگاه ویتگنشتاین که فیلسوف و متفکری عظیم و از طرفی پیچیده و معماگونه است و فهم دیدگاه‌های وی بسی مشکل می‌نماید نیز کمک وافری می‌کند؛ البته تفاوت‌های عمده‌ای نیز میان آستین و ویتگنشتاین وجود دارد که این مقاله، درصدد بیان آن نیست. کل نظریه آستین، مجموعه سخنرانی‌های او است که پس از مرگ وی منتشر و به‌طور گسترده‌ای از آن استقبال شده و تأثیرات عمیقی بر جای نهاده است. آستین تئوری خود را به‌طور ویژه درباره زبان دینی به کار نگرفته؛ اما بر دیگری که چنین کاری کرده‌اند، تأثیر گذاشته است. آستین در نظریه خود که به تئوری کنش‌گفتاری معروف است، به دیدگاه سنتی که کاربرد اصلی زبان را وصف می‌کند و ارتباط با جمله‌ها را صرفاً شناختی می‌داند، انتقاد کرد. به اعتقاد وی، زبان معمول در اغلب موارد به بیان و اعلام ساده حقیقت محدود نمی‌شود. (ساجدی، ۱۳۸۱: ۱۲۲)

کاربرد شناسی زبان، معنا را از دیدگاه سخن‌گویان زبان مطالعه می‌کند و یکی از مباحث آن نظریه کنش‌های گفتاری است. در نظریه کنش‌های گفتاری، معنا نه فقط از دیدگاه مشخصه‌های معنایی و معنای شرایط-صدق بررسی می‌شود بلکه به مثابه کنش و عملی تلقی می‌شود که در جهان خارج از زبان تغییری ایجاد می‌کند؛ بنابراین معنا در مبحث کنش‌های گفتاری بر اساس بافت زبانی و با توجه به مقولاتی چون اصل همکاری و اصل ادب و خواست وجهه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد. نظریه کنش‌های گفتاری نخستین بار توسط جان آستین در دهه ۱۹۴۰ مطرح شد.

دیدگاه جان سرل

افزون بر آستین فیلسوفان و زبان‌شناسان دیگری نیز به بررسی ماهیت کارگفتها و طبقه‌بندی آنها پرداخته‌اند که در این میان آرای جان آر. سرل درباره مقوله‌بندی کارگفتها از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. وی تحت تأثیر طرحی که آستین از کارگفتها به دست داده بود، این‌گونه پاره‌گفتها را طبقه‌بندی کرد. جان سرل در کتاب کارگفتها نشان می‌دهد که تحقیق درباره زبان بدون بررسی ماهیت و نحوه کار ذهن ناتمام است. زبان و افعال جزو واقعیت‌های نهادی و اجتماعی هستند و مطالعه زبان در پرتو مطالعه ذهن با این واقعیت که زبان پدیده‌ای اجتماعی است، منافاتی ندارد. سرل معتقد است که زبان نه تنها پدیده‌ها را توصیف می‌کند، بلکه در اجرای آنها نیز نقش دارد. بدین معنا که انسان از زبان برای درخواست انجام کار (نقش امری)، بستن پیمان (نقش تعهدی)، بیان تشکر (نقش عاطفی) و غیره بهره می‌گیرد. (ر.ک. ضیاء حسینی، ۱۳۹۱: ۴۳)

براین اساس وی کارگفتها را در یک طبقه‌بندی پنج‌گانه سامان دهی می‌کند که در بخش بعدی به آن می‌پردازیم.

الف) طبقه‌بندی کارگفتها از دیدگاه سرل

یک دسته از کارگفتها، کارگفتهای اظهاری هستند. در این کارگفتها گوینده عقیده خود را در باره صحت و سقم مطلبی اظهار می‌دارد. این کارگفتها تعهد گوینده را نسبت به صدق گزاره مطرح‌شده نشان می‌دهند. کارگفت‌های اظهاری، محتوای گزاره‌ای را با جهان خارج و محیط مطابقت داده، باورهای گوینده را نشان می‌دهند. نمونه بارز این دسته از کارگفتها را می‌توان در پاره‌گفتارهایی مشاهده کرد که بر نکته‌ای تأکید می‌کنند یا به نتیجه‌گیری از نکته‌ای می‌پردازند. در این باره می‌توان مثالهای زیر را در نظر گرفت:

۱. من بر این نکته تأکید دارم که هوشنگ فارغ‌التحصیل نشده.

۲. با توجه به پرونده موجود نتیجه می‌گیریم که هوشنگ فارغ‌التحصیل نشده.

در نمونه‌های بالا گوینده با تأکید و نتیجه‌گیری، خود را متعهد می‌سازد که آنچه می‌گوید صدق است. (صفوی، ۱۳۸۷: ۶۷)

به عقیده‌ی اصطهباناتی «برخی از افعالی که نشان‌دهنده کنشها یا کارگفت‌های اظهاری، هستند، عبارت‌اند از: ادعا کردن، اظهار کردن، اعطا کردن، شرح دادن، بحث کردن، اعتراض کردن، گفتن، معرفی کردن، گزارش دادن، نسبت دادن، بیان کردن، واگذار کردن، تأیید کردن، تکذیب کردن، دلیل آوردن، تصحیح کردن، تفسیر کردن، نفی کردن، ابراز کردن، آغاز کردن یک عمل، اثبات کردن، التماس کردن، اعلان کردن، پاسخ دادن، تغییر فعالیت دادن، توصیف کردن، دسته‌بندی کردن، دفاع کردن، رها کردن، محدود کردن، مطمئن بودن، نقد کردن. همچنین برخی از ابزارهای تسهیل شناخت کارگفت‌های اظهاری عبارت‌اند از: من اظهار می‌کنم که من تأیید می‌کنم که من تصحیح می‌کنم که من اثبات می‌کنم که من نفی می‌کنم که، من می‌گویم که.» (اصطهباناتی، ۱۳۸۶: ۵۴)

دسته‌ی دیگر کارگفتها، کارگفت‌های ترغیبی هستند. هدف از کارگفت‌های ترغیبی، ترغیب مخاطب برای انجام کاری و قرار دادن وی در حالت تکلیف و اجبار برای انجام عملی است؛ به عبارت دیگر، گوینده می‌خواهد که شنونده کاری انجام دهد. گوینده سعی می‌کند تا کاری کند که رویدادهایی به وقوع بپیوندد و جهان را با محتوای گزاره‌ای که شامل عمل آتی شنونده می‌باشد، تطبیق دهد. کنشها یا کارگفت‌های ترغیبی خواستها و تمایلات گوینده را بیان می‌کنند. نمونه بارز این کارگفتها را می‌توان در پرسشها یا درخواستها مشاهده کرد.

در این میان آرای سرل از اهمیت بسزایی برخوردار است. وی این گونه پاره‌گفتارها را به پنج طبقه تقسیم می‌کند.

۱- کارگفت‌های اظهاری

اظهار گوینده را نشان می‌دهند: اظهار کردن - تأیید کردن - نفی کردن - تأکید کردن...

۲- کارگفت‌های ترغیبی

ترغیب گوینده برای انجام کاری: خواهش می‌کردن - امر کردن - سؤال کردن - دستور دادن...

۳- کارگفت‌های تعهدی

تعهد گوینده را نشان می‌دهند: قول دادن - تضمین کردن - قسم خوردن - متعهد شدن...

۴- کارگفت‌های عاطفی

احساس گوینده را نشان می‌دهند: عذر خواستن - تبریک گفتن - قدردانی کردن - تسلیت گفتن - تشکر کردن - ناسزا گفتن...

۵- کارگفت‌های اعلامی

گوینده شرایط تازه‌ای را برای مخاطب اعلام می‌کند: اعلام کردن - محکوم کردن - بخشیدن ...

پیشینه استفاده از این نظریه در زبان فارسی

پهلوان نژاد و رجب زاده (۱۳۸۹) در پژوهشی، به بررسی متن شناسی زیارت نامه حضرت امام رضا (ع) بر اساس طبقه بندی های کنش گفتار پرداخته و به این نتیجه رسیده اند که کنش عاطفی بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است. این نتیجه نشان دهنده ایجاد ارتباط عمیق عاطفی بین گوینده و مخاطب زیارت نامه است؛ یعنی گوینده متن تلاش کرده احساساتی از قبیل ارادتمندی، قدردانی و دوستی خویش را در قالب این متن با مخاطب خویش به اشتراک بگذارد این بررسی نشان می‌دهد که نظریه کنش گفتار در بررسی متون دینی - مذهبی کارایی دارد. (پهلوان نژاد و رجب زاده، ۱۳۸۹: ۵۴)

اصطهباناتی (۱۳۸۶) در پایان نامه کارشناسی ارشدش - که در آن بر اساس کنش‌های گفتاری، پاره‌ای از متون سیاسی را تحلیل کرده - به این نتیجه رسیده است که یکی از بارزترین ویژگی‌های متون سیاسی سیاستمداران ایران، استفاده از کنش اظهاری است؛ یعنی آن‌ها تمایل دارند نظرهایشان را بیان کنند و دیدگاهشان را به مخاطبان انتقال دهند. به بیان دیگر، آن‌ها سعی می‌کنند مخاطبانانشان را به همراهی با نظرها و اعتقادهایشان ترغیب کنند. به این دلیل، کنش ترغیبی دومین کنشی است که این سیاستمداران به کار می‌گیرند. استفاده از کنش‌های عاطفی، بیش‌تر با اعتقادات مذهبی و دین این سیاستمداران در ارتباط است تا از این طریق بر احساسات مخاطبان تأثیر بگذارند و آن‌ها را با اعتقاداتشان همراه کنند. همچنین به کار نگرفتن کنش تعهدی و اعلامی، نتیجه دیگری است که می‌توان از این بررسی به دست آورد. (اصطهباناتی، ۹۸: ۱۳۸۶-۸۰)

صانعی پور (۱۳۹۰) در کتاب مبانی تحلیلی کارگفتی در قرآن کریم، تحلیل قرآن را نه در سطح مفردات و آیات و نظم معنایی و نحوی حاکم بر آن‌ها، بلکه در سطح کاربردشناسی، به مثابه مخاطبه و در نظام ارتباطی میان متکلم و مخاطب (اعم از خداوند متعال، پیامبر یا مردم) بررسی کرده است. وی در باب «روش‌های فهم و تفسیر» قرآن، سعی می‌کند برخلاف گذشته، به تبیین مبانی و روش تفسیری خود بپردازد و با عرضه ابزار تحلیل کارآمد و فراگیر، پژوهشگران را از سطح صرف و نحو و مفردات قرآنی به سطح کاربردشناختی این متن مقدس برساند. هدف او این است که خواننده با تأکید بر خطوط نانوشته (بافت پیرامونی) قرآنی، معنای هریک از مفردات و آیات قرآنی را در پرتوکارگفت مورد نظر متکلم، فهم و تفسیر کند.

گذری بر شرح احوال سهراب سپهری

سهراب سپهری در سال ۱۳۰۷ در کاشان متولد شد و پس از اتمام دوره دبیرستان راهی تهران شد. «وی در سال ۱۳۲۸ وارد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد و در رشته نقاشی از این دانشگاه فارغ التحصیل شد. در سال ۱۳۲۰ نخستین مجموعه شعر نیمایی خود را به نام مرگ رنگ انتشار داد.» (صوفی، بی‌تا: ۳۳۸).

سهراب در آغاز کار شاعری، تحت تأثیر شعرهای نیما بود و این تأثیر در مرگ رنگ به خوبی مشهود است. در آثار بعدی او کم‌کم کارش شکل می‌گیرد. «شعرش با دیگر شاعران هم دوره خویش متمایز می‌گردد. از جمله مجموعه شعرهای دیگر سهراب سپهری نحوی مشاعر و انفعالات روح خود را بیرون ریخته و یا از تخیلات و آرزوهای خود دم زده اند» (ابراهیمی کاوری و چولانیان، ۱۳۸۷: ۱۲).

سیطره مکتب‌های رمانتیسم و سمبلیسم بر افکار و ادبیات سپهری و سیاب را بوضوح می‌توان از رد پای سرزندگی در آثار آن‌ها مشاهده کرد؛ «چراکه انس و الفت گرفتن با خدا و امید داشتن، از ویژگی‌های این مکتب می‌باشد و شاعر رمانتیسم از خلال نفس وجودی و احساس خویش آن را به تصویر می‌کشد» (ججا، ۱۹۹۹: ۳۴).

شعر سپهری شعری است کاملاً تصویری و او نیز مانند هر شاعر اصیل و صاحب سبکی تحت تأثیر محیط پیرامون خود است. اشیاء و پدیده‌ها در شعر سپهری حالتی آنیمیسیم دارند (جاندارپنداری) و دارای شخصیت، شاعر با آن‌ها یکی می‌شود و بسیاری از آن‌ها را در شعر خود به نماد تبدیل می‌کند. (حسینی، ۱۳۷۱: ۱۰)

آثار

آوار آفتاب - اطاق آبی - حجم سبز - زندگی خواب‌ها - شرق اندوه - صدای پای آب - ما هیچ، ما نگاه - مرگ رنگ - مسافر (کتاب) - هشت کتاب

انواع کارگفت در اشعار سهراب سپهری

کارگفت اظهاری

سپهری اساساً شاعری خوش بین و عاشق پیشه است. (قاسم زاده و نیکوبخت، ۱۳۸۲: ۱۴۶) در بیت زیر در اوج تنهایی خویش و در میان ظلمت و تاریکی، راز نور و امید بودن خود را به خواننده اظهار می‌دارد.

ابری نیست

بادی نیست

می نشینم لب حوض

گردش ماهی‌ها روشنی من گل آب

پاکی خوشه زیست

...

چیزهایی هست

که نمی دانم

می دانم سبزه ای را بکنم خواهم مرد

می روم بالا تا اوج من پر از بال و پرم

راه می بینم در ظلمت من پر از فانوسم

من پر از نورم و شن

و پر از دار و درخت

پرم از راه از پل از رود از موج

پرم از سایه برگی در آب

چه درونم تنهاست. (سپهری، ۱۳۸۰: ۲۷)

از آنجا که شعر امروز حاصل تجربیات شخصی و اجتماعی و متأثر از روحیات و عواطف روانی شاعران است، شناخت فراز و نشیبهای زندگی شاعر امروزی تقریباً ضروری است؛ چراکه شاعر امروزی به دلیل عدم پیروی از سنت گرایان کهن، تقریباً مستقل از دیگران عمل می‌کند و از شعر به عنوان ابزاری برای بیان عقاید و احساسات خود و حتی ابزاری به منظور رسیدن به اهداف سیاسی و اجتماعی استفاده می‌کند. (قاسم زاده و نیکوبخت، ۱۳۸۲: ۱۴۹)

لذا تأثرات سیاسی و اجتماعی و زندگی شخصیت شاعر معاصر با گزینش واژگان ارتباط با کنش گفتاری وی دارد.

در قطعه زیر رنگ سیاهی نشانه غم و اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه شاعر است که برای مخاطب اظهار می‌کند:

دیرگاهی است در این تنهایی

رنگ خاموشی در طرح لب است

بانگی از دور مرا می خواند،

لیک پاهایم در قیر شب است. (سپهری، ۱۳۸۰: ۴۳)

در قطعه زیر شاعر، احوالات درونی خویش را به گوینده اظهار می‌کند: که در اوج ناامیدی و هیچستان خبر خوش در دوردستها در حال رسیدن است.

به سراغ من اگر می آید

پشت هیچستانم

پشت هیچستان رگ های هوا پر قاصد هایی است

که خبر می آرند از گل و شده ی دورترین نقطه ی خاک

پشت هیچستان چتر خواهش باز است

تا نسیم عطشی در بن برگی بدود

زنگ باران به صدا می آید
آدم اینجا تنهاست
و در این تنهایی سایه ی نارونی تا ابدیت جاریست
به سراغ من اگر می آید
نرم و آهسته بیا یید
که مبادا ترک بردارد چینی نازک تنهایی. (همان: ۳۸)
شعر در قطعۀ زیر شاعر امید و روشنی لحظه‌هایش را برای خواننده اظهار داشته است:
در دل من چیزی است مثل یک بیشه نور مثل خواب دم صبح
و چنان بی تابم که دلم می خواهد
بدوم تا ته دشت بروم تا سر کوه
دورها آوایی است که مرا می خواند... (همان: ۷۳)
تأکید کردن یکی از حالات کنش گفتاری اظهاری است. در بیت زیر شاعر به مخاطب تأکید می‌کند که باید خالص و یکرنگ
مثل باران بود:
چترها را باید بست
زیر باران باید رفت
فکر را خاطره را زیر باران باید برد
با همه مردم شهر زیر باران باید رفت
دوست را زیر باران باید برد
عشق را زیر باران باید جست. (همان: ۸۴)

گارگفت ترغیبی

کنش بیانی ترغیبی درصدد است تا گوینده را به انجام کاری ترغیب و وادار کند.
سپهری در قطعۀ زیر مخاطب را به عدم گل آلودی آب و تمیز داشتن آن ترغیب می‌کند و آن را با دلایل خویش به تصویر می-
کشد:

آب را گل نکنیم
در فرودست انگار کفتری می خورد آب
یا که در بیشه ای دور سیره ای پر می شوید
یا در آبادی کوزه ای پر می گردد
آب را گل نکنیم
شاید این آب روان می رود پای
سپیداری تا فروشوید اندوه دلی
دست درویشی شاید نان خشکیده فرو برده در آب
رزن زیبایی آمده لب رود
آب را گل نکنیم
روی زیبا دوبرابر شده است
چه گوارا این آب
چه زلال این رود

مردم بالا دست چه صفایی دارند
چشمه هاشان جوشان گاوهاشان شیرافشان باد
من
ندیدم دهشان
بی گمان پای چپرهاشان جا پای خداست
ماهتاب آنجا می کند روشن پهنای کلام
بی گمان در ده بالا دست چینه ها کوتاه است
مردمش می دانند که شقایق چه گلی است
بی گمان آنجا آبی آبی است
غنچه ای می شکفد اهل ده باخیرند
چه دهی باید باشد
کوچه باغش
پر موسیقی باد
مردمان سر رود آب را می فهمند
گل نکردنش ما نیز
آب را گل نکنیم. (همان: ۴۲)

در قطعۀ زیر همه را به یکرنگی و زلالی، ترغیب می کند:
من نمی دانم که چرا می گویند:
اسب حیوان نجیبی است
کبوتر زیباست
و چرا در قفس هیچ کسی کرکس نیست
گل شبدر چه کم از لاله قرمز دارد
چشم ها را باید شست جور دیگر باید دید
واژه ها را باید شست ... (همان: ۵۱)

کارگفت اعلامی

در کارگفت اعلامی، گوینده با این کنش بیانی، شرایط تازه‌ای را برای مخاطب اعلام می کند. در ابیات زیر شاعر حالت درد و محنت خود را به مخاطب خویش اعلام می کند و می گوید:
باید امشب بروم
باید امشب چمدانی را
که به اندازه ی پیراهن تنهایی من جا دارد بردارم
و به سمتی بروم
که درختان حماسی پیدااست
رو به آن وسعت بی واژه که همواره مرا می خواند
یه نفر باز صدا زد سهراب!
کفش هایم کو؟ (سپهری، ۱۳۸۰: ۹۵)

در قطعه معروف زیر از شاعر، از خودش می‌گوید. حرفه، مادر، دوستان و خدای خویش را معرفی و به تصویر می‌کشد:

اهل کاشانم
روزگارم بد نیست.
تکه نانی دارم، خرده هوشی، سر سوزن ذوقی.
مادری دارم، بهتر از برگ درخت.
دوستانی، بهتر از آب روان.
و خدایی که در این نزدیکی است:
لای این شب بوها، پای آن کاج بلند.
روی آگاهی آب، روی قانون گیاه. (همان: ۲۹)

ملال و دلزدگی سهراب از اوضاع زمانه، تسلیم و ناامیدی روحی او و حاصل آشنایی وی با مکتب رمانتیسم حکایت می‌کند.

سپهری در قطعه زیر رنگ تاریک و ناامیدی را اعلام داشته است:

نیست رنگی که بگوید با من
اندکی صبر، سحر نزدیک است:
هر دم این بانگ برآرم از دل:
وای، این شب چقدر تاریک است!
خنده ای کو که به دل انگیزم؟
قطره ای کو که به دریا ریزم؟
صخره ای کو که بدان آویزم؟ (همان: ۵۹)

در جایی دیگر می‌گوید:

شاخه ها پژمرده است
سنگ ها افسرده است
رود می‌نالد
جغد می‌خواند
غم بیاویخته با رنگ غروب
می‌تراود ز لبم قصه سرد
دل افسرده در این تنگ غروب. (همان: ۶۳)

کارگفت عاطفی

کنش بیانی عاطفی بیان کننده‌ی احساس گوینده است.

سپهری در قطعه زیر دوستان خود را تحسین کرده و دعا می‌کند:

دوستانی دارم
بهتر از برگ درخت
که دعایم گویند و دعاشان گویم...
یادشان دردل من...
قلبشان منزل من.....

صافی آب مرا یاد تو انداخت...رفیق...
تو دلت سبز...
لبت سرخ...
چراغت روشن...
چرخ روزیت همیشه چرخان...
نفست داغ...
تنت گرم...
دعایت با من... (سپهری، ۱۳۸۰: ۴۲)

در قطعه زیر زندگی را تحسین کرده و آن را رسم خوشایندی می‌داند و می‌گوید:
زندگی رسم خوشایندی است
زندگی بال و پری دارد با وسعت مرگ
پرشی دارد اندازه عشق
زندگی چیزی نیست که لب طاقچه عادت از یادمن و تو برود. (همان: ۴۸)

نتیجه

تحلیل داده‌ها از دیدگاه آستین حاکی از آن است که در خطبه‌های مورد بررسی دلالت واقعی گفتار لزوماً مطابق دلالت لفظی و ظاهری آن نیست.
تحلیل جمله‌های مورد استفاده در خطبه‌ها بر اساس الگوی سرل نشان داد که از میان انواع پنج‌گانه کارگفت‌ها، چهار نوع کارگفت اظهاری، ترغیبی و عاطفی و اعلامی به کار رفته است.
در تحلیل کنش‌های گفتاری در اشعار سهراب سپهری متوجه شدیم که بیشترین کنش‌ها از نوع کنش‌های اظهاری است. به این معنا که شاعر، به دلیل اوضاع سیاسی و اجتماعی خود بیشتر در پی توصیف حالت و بیان درونی و باورهای شخصی بوده و سعی داشته است تجربه شخصی و حالت درونی خویش را در قالب گزاره‌هایی بیان کنند که بیش از هر چیز خصلت اخباری و توصیفی دارند.

منابع

۱. ابراهیمی کاوری، صادق و رحیمه چولانیان (۱۳۸۷)؛ «وصف در فارسی و عربی»، مطالعات ادبیات تطبیقی، شماره ۵، صص ۹-۳۲.
۲. اصطهباناتی، لیدا. «تحلیل کنش گفتاری پاره ای از متون سیاسی معاصر» پایان نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی. دانشگاه فردوسی مشهد.
۳. جحا، میثالخلیل (۱۹۹۹)؛ الشش عر العربشی الحش دیت مشن أحمشد شش وقی إلیش ی محمود درویش، الطّبعه الأولى، بیروتک دار العوده.
۴. حسینی، صالح (۱۳۷۱)؛ نیلوفر خاموش، تهران: نیلوفر.
۵. پهلوان نژاد، محمدرضا و مهدی رجب زاده. تحلیل متن زیارت نامه حضرت امام رضا برپایه نظریه کنش گفتار فلسفه و کلام، س. 42 پاییز و زمستان، ۱۳۸۹.
۶. ساجدی، ابوالفضل، ۱۳۸۱، «نظریه کنش گفتاری جان آستین و فهم زبان قرآن» مجله قیسات، ش ۲۵.
۷. صوفی، لیلا (بی تا)؛ زندگینامه شاعران ایران، تهران: انتشارات جاجرمی.

دوره ۳، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶، صفحات ۱۹۱-۲۰۱

۸. صفوی، کوروش، درآمدی بر معنی شناسی، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۷ ش.
۹. ضیاء حسینی، محمد، سخن کاوی، تهران، انتشارات رهنما، ۱۳۹۱ ش.
۱۰. قاسم زاده، سیدعلی و نیکوبخت، ناصر، «روانشناسی رنگ در اشعار سهراب سپهری»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۲

Speech act theory in Sohrab Sepehri poems

Farshad Mirzai, Mohsen Baharvand

Professor at Islamic Azad University _Khorramabad Branch, IR.Iran

Phd Student Major: Persian Language and literature at Islamic Azad University _Khorramabad Branch, IR.Iran

Abstract

Having a successful speech interaction requires awareness of the role of the speech and the amount of information in both parties involved.

The listener does not rely solely on his/her Linguistic knowledge but it involves one's extra-linguistic knowledge to understand the concepts intended by the speaker. Present article also refers to speech Act theory and Samples of Sohrab Sepehri's poems along with discussion of different types of speech acts. It was concluded that the most speech acts used in Sepehri's poems are expressive.

Keywords: Act, Sepehri, speech Act theory, Persuasive, Assertive
